



## یادداشت

## خیزش مردم سراوان نه آغاز است و نه پایان!

## صادق کار



در روز دوشنبه این هفته نیروهای سرکوبگر حکومت در شهر سراوان به بهانه جلوگیری از قاچاق سوخت به پاکستان عده‌ای از مردم فقیر و تنگدست منطقه را به گلوله بستند و شماری از آنان را که اکثرشان نان آور خانواده‌ها بودند به قتل رسانده و عده‌ی دیگری را نیز مجروح کردند. در واکنش به رفتار جنایتکارانه حکومت اعتراضات مردم ادامه یافت و دامنه آن به شهرهای دیگر بلوچستان تعمیم پیدا کرد. در طی هجوم نیروهای سرکوبگر حکومت در مجموع ده‌ها تن از مردم در منطقه به قتل رسیدند. مردم در اکثر شهرهای استان با توسل به اعتصاب همگانی انزجار و اعتراض خود از رژیم را نشان دادند. شلیک بسوی مردم در حالی صورت گرفت که آنها غیر مسلح بودند و بدون شلیک هم می‌شد با آنها صحبت و مذاکره کرد. شغل سوختبری شغلی نیست که مرزنشینان محروم و فقیر بلوچ که بسیاری از آنان فارغ التحصیلان دانشگاهی هستند با میل خود آن را انتخاب کرده باشند.

انتخاب شغل خطرناک و پر مخاطره سوختبری از روی ناچاری و نبود کار و وجود محرومیت مضاعف مردم در این منطقه است که هر چند وقت یک بار به بهانه‌های واهی مورد یورش ماموران سرکوبگر حکومت قرار گرفته و عده‌ای از آنها نیز زندانی و پس از مدتی اعدام شده‌اند.

بیکاری در بلوچستان و سیستان به مراتب گسترده‌تر از سایر نقاط کشور است. یکی از دلایل آمار بالای بیکاری در این منطقه نوعی بایکوت اقتصادی است که در هر دو رژیم سلطنتی و اسلامی با امتناع از سرمایه‌گذاری در عرصه صنعت و کشاورزی اعمال شده است. در این منطقه تا دلشان خواسته است پادگان و پاسگاه و حصار و راه ساخته‌اند، تا بتوانند منطقه را به پادگان نظامی و زندان مردم تبدیل کنند و راه رفت و آمدشان هموار باشد. ولی از کارخانه و محل اشتغال و تولید که موجب تشدید بیکاری و فقر و محرومیت شده خبر چندانی نیست. وضعیت کشاورزی نیز به علت خشکسالی و قطع سهم ایران از آب هیرمند سال به سال بدتر گردیده که این خود به گستر و فقر و رانده شدن مردم بسوی اشتغال کاذبی همچون سوخت بری منجر شده است. بطوریکه جلوگیری از این کار مترادف با و گرسنگی تلقی می‌شود و مردم برای حفظ این آب باریکه که معلوم نیست تا کی دوام آورد حاضر شده‌اند از جان عزیزشان مایه بگذارند.

مردم در بسیاری از نقاط منطقه حتی دسترسی به آب آشامیدنی، مدرسه و پزشک که جزء نیازمندی‌های اولیه زندگی هستند ندارند. اینها را هم مردم و هم مقامات دولتی که بیگانه با رنج و درد مردم هستند اطلاع دارند. با



این احوال بجای رفع این محرومیت ها و ایجاد اشتغال مولد سالیانه مبالغ کلانی پول صرف تجهیز نیروی سرکوب در منطقه می کنند و به محرومیت های مردم دامن می زنند. وجود و جولان غیر لازم نیروهای سرکوبگر در واقع برای مردمی که در نهایت محرومیت به سر می برند تحریک کننده و محرک در گیری است. راه حل اجتناب از این درگیری ها قطع سیاست امنیتی کردن مناطق محروم، به رسمیت شناختن حقوق مردم و اختصاص بودجه دستگاه سرکوب به سرمایه گذاری و توسعه زیر ساخت های اقتصادی- اجتماعی منطقه است. خیزش مردم سراوان و اعتصاب عمومی مردم شهرهای مختلف استان در دفاع از مردم سراوان و همبستگی بی سابقه مردم حاکی از انزجار و انزوا و خشم مردم از حکومت و سیاست های آن در منطقه است. وقوع این خیزش به هیچ وجه غیر منتظره نبوده و در مناطق کمتر محرومتر از بلوچستان و سیستان هم وقوع خیزش های این چنینی دور از انتظار نیست. مردم در همه ی کشور و بیشتر از همه در مناطق محروم ملی و قومی از هر لحاظ تحت فشار و سرکوب مضاعف حکومت قرار دارند و حکومت هم جز زبان زور و گلوله در مقابل مردم راه حل دیگری در چنته ندارد. استاندار بلوچستان و سیستان به همراه عده ای از دست اندرکاران این جنایت می کوشند با دادن اطلاعات غیر واقعی در مورد علل و ماهیت خیزش مردم فقیر و رها شده به حال خود آن را مانند موارد پیشین به اشرار و وابستگان به بیگانگان نشان دهند تا آسانتر بتوانند آنرا سرکوب و از پیامدهای آن بکاهند. اما حنای آنها نزد مردم رنگ باخته تر از آن است که مردم را فریب دهد. به فرض اینکه بیگانگان هم بخواهند از خیزش مردم به نفع امیال خودشان سوء استفاده کنند، مقصر آن کارگزاران خود حکومت هستند که با جنایات شان زمینه آن را فراهم کرده اند. خیزش مردم فقیر و ستم دیده بلوچستان نه اولین و نه آخرین خیزش های این چنینی در ایران خواهد بود. خیزش های دیگری در راهند که با سرکوب نمی توانند از وقوع آنها جلوگیری کنند. ماهیت خیزشها در ایران امروز معیشتی است و به همین دلیل سرکوب آنها نتایجی خلاف نیت سرکوبگران را برای شان رقم خواهد زد. باید از خیزش مردمی سراوان و اعتصاب همگانی مردم محروم بلوچستان باید همه مردم آزادیخواه و طرفدار عدالت قاطعانه حمایت نموده و تا حد ممکن مانع از مجازات انتقامجویانه کارگزاران جنایتکار حکومت از شرکت کنندگان در خیزش شد. ماشین خشونت و سرکوب حکومتی را فقط با همبستگی همه عدالت و آزادیخواهان می توان نابود کرد.



**به سرکوب سندیکاهای کارگری پایان دهید!**



## افول نتولیرالیسم: نمایشنامه در سه پرده بخش دوم

## فردناندو روگیتسکی



از روزهای "اشغال کن"

## ژورنال برزیلی اقتصاد سیاسی، دسامبر ۲۰۲۰

## اقتصاد و سیاست از سال ۲۰۰۸ - ادامه

از اواخر سال ۲۰۱۰ تا سال ۲۰۱۳ با برخاستن موجی از اعتراضات جهانی، آثار سیاسی بحران جهانی بروز آشکارتری یافت. از دسامبر ۲۰۱۰ تا مارس ۲۰۱۱ آنچه به بهار عربی مشهور شد، در کشورهای تونس، مصر، لیبی و سوریه درگرفت. در ماه می ۲۰۱۱ این موج اعتراضات مدیترانه را درنوردید و در میدانهای اسپانیا و یونان شکوفا شد. در سپتامبر همان سال زیر پرچم "وال استریت را اشغال کن!" به آمریکا رسید؛ اول در نیویورک، اما بزودی سراسر این کشور را درنوردید. پیش از آن که سال ۲۰۱۱ به پایان برسد، "اشغال کن" مشابهی در لندن، در جلوی کلیسای جامع سن پائول زبانه کشید. در سال ۲۰۱۳ اعتراضات ادامه یافتند: در ماه می آن سال در استانبول و یک ماه بعد، در ژوئن، برزیل شاهد اعتراضاتی بود که آن را از حرکت بازداشت. کمی بعد اعتراضات مشابهی در هونگ کونگ و فرانسه برچا شدند. توزه با استناد خاص به اعتراضات اسپانیا و یونان می نویسد: "بحران از دنیای مالی به سپهر سیاسی کشیده شده بود".

در شروع سال ۲۰۱۴ کنین این اعتراضات جهانی در فضای نهادهای رسمی شدت یافته بود، که یکی از تجلیات آن افول انتخاباتی احزاب میانی حاکم بود که توسط آلترناتیوهای چپ، و نیز راست افراطی به چالش کشیده شده بودند. قابل ذکر است که در درون چپ پودموس، که در سال ۲۰۱۴ پایه گذاری شده بود، در همان انتخابات سراسری سال ۲۰۱۵ به بیش از ۲۰ درصد آرا دست یافت و در جای سومین حزب بزرگ اسپانیا قرار گرفت. در همین سال بود که جرمی کوربین به رهبری حزب کارگر بریتانیا دست یافت و جابجائی قابل ملاحظه ای را در مواضع سیاسی حزب مذکور به جانب چپ پیش برد. سیریزا، یک حزب چپ از یونان، در این کشور به قدرت دست یافت. در سال ۲۰۱۶، نوبت به حزب دموکرات آمریکا رسید که توسط یک جنبش چپ از پائین به لرزه درآید: در دور مقدماتی انتخابات، برنی سندرز، یک سناتور مستقل، به کاندیداتوری از جانب این حزب برخاست، که باور خود را به سوسیالیسم دموکراتیک اعلام می کرد.



در سمت دیگر، یعنی در سمت راست افراطی، عروج انتخاباتی از این هم بالاتر بود. از سال ۲۰۱۶ به بعد، سیاستمدارانی با گفتمان مشابه، که پیشتر در حاشیه سیاست و مباحث عمومی قرار گرفته بودند، نفوذ خود را گسترش دادند و در چندین کشور به قدرت رسیدند. نوترته در سال ۲۰۱۶ به ریاست جمهوری فیلیپین رسید، ترامپ هم در سال ۲۰۱۷ در آمریکا به قدرت دست یافت. سالوینی در سال ۲۰۱۸ در ایتالیا به معاونت نخست وزیر نائل آمد و بولسونارو در ۲۰۱۹ در برزیل رئیس جمهور شد. راه این ۴ نفر توسط رهبران راستگرای دیگری که پیشتر آن را کوبیده بودند، هموار شده بود: کسانی چون اردوغان (نخست وزیر ترکیه در بین سالهای ۲۰۰۳ تا ۲۰۱۴، و از آن پس رئیس جمهور این کشور) و اوربان (نخست وزیر مجارستان از ۲۰۱۰). این پیروزیهای انتخاباتی اجزائی از یک گرایش عمومی تر بودند. چنان که برانک *Brank* *Milanovic* نشان داده است، درصد آرائی که به نفع راست افراطی به صندوقهای رأی ریخته شد، در چند کشور اروپائی مثل اتریش، دانمارک، فنلاند، فرانسه، آلمان، یونان، سوئد، و بریتانیا از سال ۲۰۱۲ به بعد به طور قابل ملاحظه ای افزایش یافته است. آخرین مورد نامیدکننده قابل ذکر از نتایج انتخابات، رفراندوم برکزیت بود. اکثریت رأی دهندگان، در تغایر با انتخاب اکثر رهبران دو حزب بزرگ بریتانیا (حزب محافظه کار و حزب کارگر)، رأی به ترک اتحادیه اروپا گرفت. گفتمان اصلی که آنان را به حرکت درآورده بود، همپوشانیهای با پلاتفرم برخی از رهبران راست افراطی داشت: بیگانه هراسی.

## اولین اقدام اقتصادی: الگوی مثلثی و زنجیره دومینو

یک نقطه شروع خوب برای درک این زنجیره تکانه های اقتصادی و سیاسی این است که ببینیم تمرکز جغرافیائی سرمایه در سالهای پیش از ۲۰۰۸ چگونه سامان می یافته است. به عبارت دیگر بررسی طرز کار بازارهای جهانی در آستانه بحران. روبرت بلکر *Robert Blecker* بر این نظر است که تا سال ۲۰۰۸ "رشد جهانی در اثر نوعی الگوی مثلثی از عدم تعادل تجاری، گردش مالی و انتقال تقاضا در بین سه گروه از کشورها یک رشد پایدار بود. او این سه گروه را کشورهای دارای کسری موازنه یا متقاضی (مثل آمریکا و بریتانیا)، صادرکنندگان تولیدکننده (مثل چین و آلمان) و صادرکنندگان کالاهای اولیه (مثل برزیل و روسیه) می نامید.

این الگوبه دقت مبین بازارهای جهانی در دهه ای است که به بحران ۲۰۰۸ انجامید. در فاصله سالهای ۲۰۰۱ تا ۲۰۰۶ کسری حساب جاری آمریکا بیش از دوبرابر شد و از ۳۸۹ تریلیون دلار به ۸۰۵ تریلیون رسید. این شیب تند به معنای افزایش هنگفت تقاضا بود که مشخصاً به سوی کشورهای کانالیزه می شد که موقعیت خود را به عنوان "کارگاه دنیا" تثبیت کرده بودند: چین، آلمان و ژاپن. بین سالهای ۲۰۰۱ تا ۲۰۰۸ مازاد حساب جاری چین از حدود ۱۷ به بیش از ۴۲۰ میلیارد دلار سر زد. آلمان نیز به نوبه خود در اثر کاهش نرخ ارز ناشی از جاری شدن یورو، کسری حساب جاری اش را که اقتصاد آن در تمام سالهای بین ۱۹۹۱ تا ۲۰۰۱ نشان می داد، جبران کرد و در سال ۲۰۰۷ به مازادی برابر ۲۳۵ میلیارد دلار دست یافت. بالاخره ژاپن، که از نخستین سالهای ۹۰ قرن گذشته مازاد حساب جاری داشت. میزان مازاد این کشور در سال ۲۰۰۷ به اوج خود رسید و بالغ بر ۲۱۱ میلیارد دلار شد.



این داده های حساب جاری رابطه بین کشورهای متقاضی و تولیدکننده را ترسیم می کنند، اما اهمیت اعتلای کشورهای نامبرده در گروه دوم را به روشنی نشان نمی دهند. در سال ۲۰۰۰، در حالی که امریکا سهمی بیش از ۱۵ درصد از کل صادرات جهانی را بخ خود اختصاص داده بود، سهم چین، آلمان و ژاپن با هم معادل ۱۶ درصد بود. در سال ۲۰۱۵ سهم اخیر به ۲۲/۵ درصد افزایش یافته بود و سهم امریکا از صادرات جهانی به ۱۲/۲ درصد سقوط کرده بود. رشد گفته شده در سهم سه کشور نامبرده اساساً ناشی از افزایش سهم چین بود که در بازه گفته شده از ۲ درصد به ۱۰ درصد افزایش یافته بود. تولید ناخالص داخلی چین که در سالهای ۹۰ قرن پیش چیزی حدود یکسوم تولید ناخالصی داخلی امریکا بود (محاسبه شده مبتنی بر معیار قدرت خرید)، در سال ۲۰۱۴ به رتبه اول جهانی رسید.

\*\*\*

۱- سوزان واتکینز Watkins Susan ارزیابی واحدی را از آلترناتیوهای چپ نوشته است.

۲- داده های این پاراگراف همگی مقادیر امروزی اند.

۳- این بدان معنا نیست که رشد چین تماماً توسط تقاضای خارجی رقم خورده است. چنین نیست، بلکه تقاضای خارجی نیز در آن سهیم بوده است. در نوشته های مربوط به استراتژی توسعه چین نوعی مشاجره جریان داشته است، مشاجره ای بین مؤافقان و مخالفان این نظر که مشخصه استراتژی رشد چین صادرات محوری است یا نه.

۴- در این باره به نوشته میلانویچ نگاه کنید. به دلار، تولید ناخالص داخلی امریکا هنوز از تولید ناخالص داخلی چین بیشتر است.

بیکاری فارغ التحصیلان  
دانشگاهها در ایران  
تابستان ۱۳۹۸

۴۳/۸ درصد  
سهم بیکاری فارغ التحصیلان عالی از کل  
بیکاران

۲۴/۷ درصد  
سهم شاغلان فارغ التحصیل عالی از کل  
شاغلان

منبع: مرکز آمار / عکس از آرشیو

بیمه‌ی بیکاری برای بیکاران!





## گروگرفتن دستمزدها برای فشار به کارگران جنایت و ستمگری است

صادق



انبوهی از گزارشات منتشر شده که تنها بخش کوچکی از واقعیت را منعکس می کنند، حاکی از پرداخت نشدن دستمزدهای کارگران توسط کارفرمایان و تعمیم فزاینده این پدیده به میان همه واحدهای تولیدی و اقتصادی است.

بهانه‌هایی که برای توجیه این قضیه آورده می شود مشکل مالی صاحبان واحدهای تولیدی و خدماتی و پرداخت نشدن دیون دولت به شرکت‌های پیمانکاری و غیره است. این دلیل در مواردی و تا حدی درست است. اما عامدانه راجع به آن اغراق می کنند تا بتوانند با به گرو گرفتن دستمزدهای زیر خط فقر کارگران و ظلم و ستم و فشار غیر انسانی مضاعفی را که از این راه بر خانواده های کارگری وارد می کنند را توجیه نموده و از برانگیختن شدن خشم مردم نسبت به این اعمال ضد انسانی جلوگیری کنند.

واقعیت اما این است که نگه داشتن دستمزدها دلایل بیشتری به غیر از آنچه گفته می شود دارد. نپرداختن به موقع و منظم دستمزدها هم یک وسیله کسب سود مضاعف برای صاحبان بنگاه های اقتصادی خصوصی است و هم ابزاری در دست آنها برای فشار به کارگران، پائین نگاه داشتن سطح دستمزدها و از بین بردن حقوق کارگران. همچنین از این حربه برای گرفتن امتیازات اقتصادی از دولت مانند، بخشودگی مالیاتی، ندادن پول حق بیمه به تامین اجتماعی و غیره استفاده می شود. دولت نیز که بقول حسن راغفر اقتصاد دان و کارشناس فقر، از آن خود سرمایه داران و حامی منافع آنهاست، میدان را برای این سئو استفاده‌ها ی بسیاری از سرمایه‌داران که نوع دیگری از غارت منابع و درآمدهای کشور و استثمار مضاعف نیروی کار است سال به سال فراختر نموده است.

این جماعت که به این سودهای مضاعف و آسان خوی گرفته حالا دیگر آن را بخشی از حقوق خود تلقی می کند و حاضر به گذشتن از آن ولو به قیمت گرسنگی دادن به اکثریت جمعیت کشور نیست. چطور می شود باور کرد که گروه بزرگی از صاحبان سرمایه که کنترل همه امور کشور را در دست دارند در همان حال که دستمزدهای کارگزارانشان را چند ماه گرو می گیرند در ویلاهای قصر گونه زندگی کنند، از همه تجملات اشرافی برخوردار باشند، به گفته رئیس اتاق بازرگانی سالانه ده‌ها میلیارد دلار سرمایه را از کشور خارج سازند؟ یا اینکه تند تند سهام چند شرکت را بخرند؟ آنها در شرایطی که هرچه کارخانه و شرکت بزرگ و متوسط هست در تیول



وابستگان به قدرت قرار دارند. در این رابطه برای نمونه می توان به گفته دو روز پیش حسین راغفر که در روزنامه بهار نیوز منتشر شد اشاره کرد که گفت: "در یکسال گذشته حدود ۸۰۰ هزار میلیارد تومان رانت های ارزی و انواع مختلف رانت های انرژی به شرکت های بزرگ و خصولتی پرداخت شده است، تنها یک شرکت فولادی در سال ۹۸ توانسته ۲۰ هزار و ۵۰۰ میلیارد سود خالص داشته باشد و نباید فراموش کرد که اغلب این شرکت ها از پرداخت مالیات معاف هستند. وی افزود... پایگاه طبقاتی دولت حکم می کند که به دنبال حفظ منافع طبقه خودش باشد.

فاکتهای از این دست که ثابت می کند ادعای نداشتن بنیه مالی بعنوان وسیله ای برای توجیه کردن سودآور نبودن کارخانه ها فاقد اساس هستند کم نیستند. وانگهی اگر واحدهای تولیدی سودآور نباشند هیچ سرمایه داری محض رضای خدا کارخانه نمی سازد و نمی خرد. منتهی سرمایه داران بخاطر داشتن امکانات دولتی و تبلیغاتی و در اختیار گرفتن شماری از نخبگان بلد هستند واقعیات را واروانه جلوه دهند و بخشی از افکار عمومی را بفریبند. الان در آستانه عید کارگران هزاران موسسه تولیدی و خدماتی بعضا تا ۱۱ ماه مطالبات مزدی پرداخت نشده دارند. در بسیاری از موسسات ماه هاست که حتی حق بیمه کارگر را به تامین اجتماعی پرداخت نکرده اند. از سوی دیگر قرار است در مورد افزایش دستمزد سال آینده تصمیم گیری کنند. کارفرمایان و دولت هر دو که منافع مشترکی دارند هم اکنون تلاش دارند با استفاده از فشار حربه دستمزدهای پرداخت نشده میزان افزایش دستمزد را باب میل خودشان تعیین کنند. نمایندگان تشکلهای کارگری دولتی در شورای عالی کار می گویند بر سر سبد هزینه های معاش خانوار گویا با نمایندگان کارفرمایان و دولت به توافق رسیده اند. مبلغ این توافق کمتر از ۷ میلیون تومان است که با سبد ۱۲،۵ میلیون تومانی تشکلهای مستقل فاصله زیادی دارد. با این حال همین مقدار نیز که آنها مدعی هستند روی آن با کارفرمایان توافق کرده اند فاقد ارزش عملی است زیرا دولت و کارفرمایان همین مقدار را که در واقع در حد بخور و نمیر است اجرا نخواهند کرد. اعلام این توافق قلابی تنها به منظور کاستن از دامنه اعتراضات کارگری و فشار این اعتراضات و فریب دادن عده ای از کارگران است. گروگان گرفتن دستمزدهای زیر خط فقر کارگران در شرایط افزایش دم به دم قیمت ها جنایت و ستمگری علیه کارگران و خانواده های آنهاست.

راه حل محتمل برای افزایش و پرداخت منظم و به موقع دستمزدها نظر به تجربیات به دست آمده تا کنونی، اعتصاب گسترده و حمایت عملی. کارگران از هر اعتصابی است که با هدف افزایش دستمزد صورت می گیرد. اعتصابات پراکنده به تجربه ثابت شده که جوابگوی مطالبه افزایش دستمزد نیست. الان در هر جا که کارگران اعتصاب می کنند کارگران آن شهر و استان و در نهایت کل کشور هم لازم است با اعتصاب همبستگی شان را با اعتصابیون نشان دهند. این فرایند اگر شروع شود آنوقت سایر گروه های مزدبگیر هم از آن حمایت خواهند کرد. راه کمی دشوار است ولی بدون پیمودن آن به مقصد نمی توان رسید. کارگرانی که در تعدادی از کشورها وضع بهتری دارند برای آن به سختی مبارزه کرده اند. مبارزه ی سازمان یافته، پیگیرانه، جسورانه و خردمندانه.

**خصوصی سازی را متوقف کنید!**



## گذر و نظری بر رویدادهای کارگری هفته

## جنگ کارگری



## تجمع کارگران قراردادی صنعت نفت مقابل مجلس

شماری از کارگران فنی قراردادی نفت که با قرارداد موقت استخدام شده و بهمین دلیل از بسیاری از حقوق قانونی شان محروم هستند، در ششم اسفند مقابل مجلس تجمع و ضمن اعتراض به وضعیت استخدامی خود و محرومیت‌های مضاعف ناشی از شرایط استخدامی شان خواستار تغییر و تصویب قوانین به نحوی شدند که متضمن حقوق آنها باشد. کارگران قراردادی نفت در ماه گذشته نیز چند مرتبه با خواستهای مشابه در مقابل ساختمان وزارت نفت در تهران تجمع کردند. کارگران از عدم اختصاص بودجه جهت اجرای طبقه بندی مشاغل و همسان سازی حقوق های خود ناراضی هستند امیدوارند با اختصاص بودجه مزد و حقوقشان بهبود پیدا کند. عجیب اینکه مدیران وزارت نفت که خودشان پس از افزایش اعتراضات کارگری در صنایع نفتی و پتروشیمی بخشنامه جهت اجرای طرح طبقه بندی صادر کرده‌اند از اجرای بخشنامه خودشان امتناع می ورزند. بهر صورت تبعیض مزدی و شغلی و همچنین دستمزد اندک و شرایط دشوار شغلی کارگران قراردادی به حدی است که آنها را به اعتراض و امیدارد. تاوقتی که این تبعیضات وجود دارد اعتراض هم وجود خواهد داشت .

## ادامه اعتراض کارگران ابنیه فنی راه آهن در مناطق مختلف

اعتراضات کارگران ابنیه فنی راه آهن "تراوس" که ماه هاست در مناطق مختلف کشور شروع و تا کنون ادامه داشته‌اند، در این هفته نیز در چند منطقه دنبال شد. کارگران ابنیه فنی خطوط راه آهن کرمان در سوم اسفند با شرکت در یک تجمع دسته جمعی نسبت به پرداخت نشدن مطالبات مزدی شان اعتراض و خواستار پرداخت مطالبات ۳ ماه اخیر خود قبل از آمدن نوروز شدند. کارگران معترض و خشمگین از رفتار مدیران شرکت تهدید کرده‌اند که اگر کلیه طلب های مزدی شان پرداخت نشود اعتصاب خواهند کرد. .

کارگران ابنیه فنی راه آهن استان هرمزگان نیز در بیانیه‌ای خواستار پرداخت دستمزدها و عیدی پرداخت نشده خود قبل از عید شده و گفته‌اند در صورت پرداخت نشدن مطالبات شان کارگران جنوب کشور اعتصاب خواهند کرد .





### تجمع دوباره کارگران آب و فاضل آب روستایی در خوزستان

کارگران آب و فاضل آب روستایی استان خوزستان در پنجم اسفند بار دیگر در اعتراض به اجحافات متعدد علیه خود در مقابل استانداری خوزستان تجمع و بر روی مطالبات شان تاکید کردند. کارگران علاوه بر اعتراض نسبت به بلا تکلیفی شغلی خود پس از ادغام شرکت آب و فاضلاب روستایی در شرکت شهری به پرداخت نشدن حق بیمه خود طی ۲۰ ماه گذشته که موجب محرومیت آنها از بیمه گردیده و همچنین پرداخت نشدن مطالبات مزدی شان طی ۵ ماه گذشته اعتراض نموده و گفته اند تا وقتی به مطالبات شان توجه جدی نشود به اعتراضات شان ادامه خواهند داد. قبل از این نیز کارگران آب و فاضلاب روستایی خوزستان به کرات تجمع کرده اند. مسئولین ذیربط گویا با این نیت که با بی توجهی و بی پاسخ گذاشتن مطالبات کارگران می توانند به اعتراضات آنها خاتمه دهد تا کنون اقدامی در خصوص مطالبات کارگران نکرده اند. با این اوصاف لازم است که سایر کارگران خوزستان با حمایت از کارگران آب و فاضلاب روستایی فشار به مسئولین را زیاد کنند، بلکه مسئولین این همه متفرعانه با برادران زحمتکش شان برخورد نکنند.

### تجمع اعتراضی کارگران فضای سبز در مقابل استانداری لرستان

در پی جایگزین کردن زندانیان با کارگران فضای سبز منطقه سه خرم آباد این کارگران که از کار اخراج شده اند از چهارم اسفند تا کنون در حال اعتراض هستند. کارگران تجمع کننده در مقابل استانداری لرستان خواهان لغو احکام اخراج خود و پرداخت مطالبات مزدی ۸ ماه گذشته شان شده اند. با این حال مسئولان شهرداری اداره امورات فضای سبز منطقه را به سازمان زندانها سپرده اند، می خواهند با بیگاری کشیدن از زندانیان و اخراج کارگران صرفه جویی مالی کنند!

متأسفانه با سپردن اختیار اخراج کارگر به کارفرمایان و در غیاب تشکلهای کارگری مستقل عملاً کارفرمایان اعم از اینکه خصوصی یا دولتی باشند به راحتی می توانند هر گاه که بخواهند کارگر را از کار اخراج کنند بیگاری و سوء استفاده از زندانیان به نظر می رسد از این به بعد بیش از گذشته باب گردد.

### ادامه اعتراضات معلمان و مربیان غیر رسمی

اعتراضات معلمان و مربیان غیر رسمی آموزش و پرورش در این هفته نیز ادامه یافت. گروه بزرگی از این معلمان در بیانیه ای که در این هفته منتشر کردند پس از ترسیم شرایط و سوابق کاری خود مجدداً خواستار استخدام رسمی و بر خورداری از حقوق و مزایای قانونی نیروهای رسمی شدند. گفتنی است که مقصود از این بیانیه فشار به نمایندگان مجلس جهت در نظر گرفتن بودجه لازم برای استخدام معلمان غیر رسمی است. کاری که در واقع نه دولت و نه مجلس تا کنون به بهانه های مختلف از آن امتناع ورزیده و تلاش کرده اند با دادن وعده های سرخرمن از دامنه اعتراضات هزاران معلم غیر رسمی بکاهند. در چهارم اسفند تجمع دیگری نیز از طرف مربیان پیش دبستانی در شهر ایذه با خواسته هایی مشابه آنچه در بیانیه معلمان غیر رسمی طلب گردیده صورت گرفت.



### جمع اعتراضی کارگران فضای سبز در مقابل استانداری لرستان

در پی جایگزین کردن زندانیان با کارگران فضای سبز منطقه سه خرم آباد این کارگران که از کار اخراج شده‌اند از چهارم اسفند تا کنون در حال اعتراض هستند. کارگران تجمع کننده در مقابل استانداری خواهان لغو احکم اخراج خود و پرداخت مطالبات مزدی ۸ ماه گذشته شان شده‌اند. با این حال مسئولان شهرداری اداره امورات فضای سبز منطقه را به سازمان زندانها سپرده‌اند قرار است با بیگاری کشیدن از زندانیان و اخراج کارگران صرفه جویی مالی کنند!

متأسفانه با سپردن اختیار اخراج کارگر به کارفرمایان و در غیاب تشکلهای کارگری مستقل عملاً کارفرمایان اعم از اینکه خصوصی یا دولتی باشند به راحتی می‌توانند هر گاه که بخواهند کارگر را از کار اخراج کنند بیگاری و سوء استفاده از زندانیان به نظر می‌رسد از این به بعد بیش از گذشته باب گردد

### ادامه اعتراضات معلمان و مربیان غیر رسمی

اعتراضات معلمان و مربیان غیر رسمی آموزش و پرورش در این هفته نیز ادامه یافت. گروه بزرگی از این معلمان در بیانیه‌ای که در این هفته منتشر کردند پس از ترسیم شرایط و سوابق کاری خود مجدداً خواستار استخدام رسمی و بر خورداری از حقوق و مزایای قانونی نیروهای رسمی شدند. گفتنی است که مقصود از این بیانیه فشار به نمایندگان مجلس جهت در نظر گرفتن بودجه لازم برای استخدام معلمان غیر رسمی است. کاری که در واقع نه دولت و نه مجلس تا کنون به بهانه های مختلف از آن امتناع ورزیده و تلاش کرده‌اند با دادن وعده های سرخرمن از دامنه اعتراضات هزاران معلم غیر رسمی بکاهند. در چهارم اسفند تجمع دیگری نیز از طرف مربیان پیش دبستانی در شهر ایذه با خواسته هایی مشابه آنچه در بیانیه معلمان غیر رسمی طلب گردیده صورت گرفت.

### تجمع کارگران بنادر و اداره دریانوردی در بندر لنگه

کارگران بنادر و اداره دریانوردی بندر لنگه در چهارم اسفند با شرکت در یک تجمع خواستار پرداخت طلب مزدی ۱۱ ماه گذشته و تعیین تکلیف قراردادهای کاری و احکام استخدامی خود شدند.

### ادامه مبارزات پیگیرانه کارگران هپکو

اعتراض کارگران هپکو که از سطح اعتراض صنفی فراتر رفته و به یک مبارزه جانانه علیه سیاستهای نئولیبرالیستی دولت و حکومت تبدیل شده در این هفته نیز تداوم یافت و کارگران به رغم همه وعده‌های کاذب مسئولین دولتی، تامین اجتماعی و مجلس و مسئولین قوه قضایی سرکوبگر و فریبکار حکومت بدون تزلزل و عقب نشینی از خواسته های شان از هر فرصتی علیه ستمگران حاکم و اطلاع رسانی به مردم اراک و ایران بهره گرفتند. به راستی اگر بنا بر تغییر سیاستهای رژیم غارتگر و عدالت ستیز حاکم باشد هیچ راه موثر دیگری به جز راهی که کارگران هپکو، هفت تپه، فولاد، راه آهن، نفت، بازنشستگان، معلمان... در پیش گرفته‌اند در مقابل جنبش کارگری ایران در شرایط کنونی وجود ندارد. باید با گسترش این اعتراضات به حکومت نشان داده شود که اعتراضات صنفی اگر پاسخ داده نشوند به سرعت مرزهای صنفی را پشت سر خواهند نهاد و کل سیستم را هدف خواهند گرفت.



### ادامه تظاهرات و تجمعات بازنشستگان تامین اجتماعی

در سوم اسفند بار دیگر و برای چندمین بار پیاپی در هفته های اخیر بازنشستگان تامین اجتماعی با برگزاری تظاهرات و تجمع هایی در ۱۸ شهر کشور اراده خود برای پیگیری مطالبات بر حق شان را به مسئولین دولتی که می کوشند با تظاهر به بی توجهی به این اعتراضات از تن دادن به مطالبات بازنشستگان امتناع ورزند نشان دادند .

مطالبات این تجمعات که همراه با سردادن شعارهایی علیه سیاستهای دولت و تامین اجتماعی همراه بود، همان مطالبات تحقق نیافته تجمعات پیشین آنها بود. همسان سازی واقعی حقوق و مستمری ها، افزایش حقوق بازنشستگی متناسب با هزینه های واقعی زندگی، بیمه درمانی موثر و رایگان، پرداخت عیدی مساوی به بازنشستگان، پرداخت دیون دولت به تامین اجتماعی... بودند. در پی این اعتراضات دامن گستر علایمی از عقب نشینی هایی در مقابل بازنشستگان در میان برخی مسئولین و مدیران دولتی بروز داده شد که البته فعلا در حد حرف است. ولی با ادامه اعتراضات مجبور خواهند شد به آن گردن نهند .

### اعتراضات دیگر کارگری

شمار اعتراضات کارگری به حدی رسیده که انعکاس گزارش تک به تک آنها را دشوار نموده. فشار معیشتی و افزایش فشار کارفرمایان و دولت، دستمزدهای چند مرتبه زیر خط فقر، امتناع صاحبان اکثر شرکتهای خصوصی و شهرداریها از پرداخت طلب های مزدی کارگران که تا ۱۱ ماه هم سابقه دارد و امتناع دولتمردان و کارفرمایان از افزایش واقعی دستمزدها از عوامل تشدید کننده مهم اعتراضات هستند. ، گسترش شدید بیکاری و ندادن حقوق بیکاری به اکثریت بزرگ بیکاران نیز در دامن گرفتن اعتراضات نقش بسیار مهمی دارند. وقوع چند تظاهرات و تجمع و همچنین مقاومت شدیدی که کارگران در مواجهه با تعطیلی و واگذاری واحدهای تولیدی نشان می دهند حاکی از بیشتر شدن هر چه بیشتر اعتراضات نسبت به بیکاری و ندادن حقوق بیکاری است .

اعتراضاتی که نه با وعده های توخالی قابل کنترل است و نه با سرکوب

**\*برای تماس با نشریه "جنگ کارگری" می توانید با آدرس زیر تماس بگیرید:**

**sabosob@gmail.com**

**\*"جنگ کارگری" نشریه گروه کار کارگری حزب چپ ایران (فدائیان خلق) را می توانید در آدرس زیر**

**ببینید:**

**<https://bepish.org/taxonomy/term/457>**

**دولت باید معاش تهی داستان و آسیب دیدگان کرونا را تامین کند!**